

تصحیحات

شیخ آقا بزرگ تهرانی

سید حسن فاطمی

نخستین مقتل فارسی

بعضی احتمال داده‌اند که کتاب روضة الشهداء نخستین مقتل فارسی است که خواندن آن در میان فارسی‌زبانان رایج شد؛ به گونه‌ای که به قاری آن، «روضه‌خوان» می‌گفتند. سپس این عنوان توسعه یافت و به هر کس که مصیبت می‌خواند «روضه‌خوان» گفتند. اما کتاب‌های مقتل الشہید و مقتل الشهداء تألیف ابوالمفاخر رازی که هر دو فارسی هستند، پیش از آن نوشته شده‌اند؛ حتی روضة الشهداء از دومی فراوان نقل می‌کند (ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۵ و ج ۲، ص ۳۲-۳۳).

زمان سرودن شاهنامه ابوالقاسم فردوسی

در کتاب سخن و سخوران می‌خوانیم که فردوسی شاهنامه را به فرمان سلطان محمود سبکتکین از سال ۳۸۹ تا ۴۲۱ در مدت سی سال نوشت. این سخن بعید است؛ زیرا بنا به تصریح فردوسی، شاهنامه در سال ۴۰۰ به پایان رسید:

ز هجرت شده پنج هشتاد بار

که گفتم من این نامه شاهوار
از ضرب پنج در هشتاد عدد ۴۰۰ به دست می‌آید. از این گذشته، نظم آن به دستور سلطان محمود نبود؛ بلکه بخش اول آن را در عصر سامانیان سرود و به گمان قوی نظم مختصر آن را تا سال ۳۸۴ سرود و در این سال به عراق سفر و با

شیخ آقا بزرگ تهرانی از جمله کتاب‌شناسان برجسته‌ای است که در طول زندگی پربار خویش موفق به بررسی کتاب‌های فراوانی شد و نتیجه تحقیقات خود را در کتاب گران‌سنگ الذریعة الی تصانیف الشیعه آورد. یکی از اموری که از نگاه دقیق آقابزرگ پنهان نمانده، لغزش‌ها در آثار دیگران حتی آثار خود اوست و آن‌ها را در این کتاب آورده که از زوایای مختلف راه گشا هستند.

یادآوری:

۱. برخی از اشکالات آقا بزرگ درباره کتاب‌هایی است که چندان مورد توجه نیستند و چه بسا برخی از آن‌ها اکنون در دسترس نباشند؛ اما اگر توجه کنیم که پاره‌ای از لغزش‌ها از کتاب‌های دیگر حتی منابع تحقیق سردرمی‌آورند، اهمیت تذکرات وی بیش‌تر روشن خواهد شد.

۲. آنچه در این نوشته می‌آید عین ترجمه الذریعه نیست؛ بلکه معمولاً عبارات را تلخیص و گاه مطالب را جابه‌جا و در قالبی دیگر عرضه کرده‌ایم.

۳. روشن است که همه ایرادهای آقابزرگ را نمی‌توان بدون تحقیق مجدد پذیرفت؛ بلکه با توجه به این که ابزار تحقیق در این زمان بسیار گسترده‌تر از آن دوران است، بررسی دوباره آن‌ها بایسته می‌نماید.

در تاریخ خود، جلد ۹، صفحه ۱۲۲ شرح حال ابونصر را نوشته و او را شیخ مشایخ خود خوانده است. هم‌چنین ابونصر از محمد بن نوح جندی شاپوری (م ۳۲۱) نقل می‌کند. بنابراین وی در قرن چهارم می‌زیسته و ابن عنبه در قرن نهم بوده است. با این بیان اشتباه کشف الظنون روشن می‌شود (ج ۱۲، ص ۱۶۶).

پایان تألیف الامالی العراقية، محمود بن علی حمصی

صاحب کشف الظنون زمان پایان یافتن تألیف الامالی العراقية را سال ۷۳۵ نوشته است، در حالی که نویسنده آن در سال ۵۸۳ درگذشت. بنابراین ۷۳۵، سال کتابت است نه تألیف (ج ۲، ص ۳۱۹).

موضوع الاصباح، قطب‌الدین کیدری یا کندری

صاحب کشف الحجب آن را شرح نهج البلاغه معرفی کرده است، لیکن سید بحر العلوم در الفوائد الرجالية تصریح می‌کند که موضوع الاصباح فقه است. نام شرح کندری بر نهج البلاغه، حدائق الحقایق است (ج ۲، ص ۱۱۸ و ج ۶، ص ۲۸۵).

الانصاف فی الامامه و تعیین الفرقة الناجیه، ابومحمد بسطامی

صاحب ریحانة الادب به اشتباه دو عنوان فوق را برای دو کتاب دانسته، در حالی که آن‌ها عنوان‌های یک کتاب هستند (ج ۲، ص ۳۹۶ و ج ۱۷، ص ۱۴۴).

پایان تألیف البصائر، ظهیرالدین محمد نیشابوری

نویسنده کشف الظنون پایان تألیف البصائر را سال ۵۷۷ نوشته، اما با توجه به این که ظهیرالدین محمد نیشابوری در کهولت سن پیام بهرام شاه غزنوی (م ۵۴۷) را برای سلطان سنجر سلجوقی برد، ظاهراً زمان تألیف باید پیش از رساندن پیام باشد. بنابراین ۵۷۷ سال کتابت نسخه است (ج ۴، ص ۲۶۴).

۱. این نام‌ها در امل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی، صفحات ۱۵۴ و ۱۵۶ آمده است. دقت در آثار هر دو اسم نشان می‌دهد که بیش‌تر آن‌ها ادبی است و تمامی کتاب‌های عبدالعلی بن ناصر، به عنوان آثار عبدالعلی بن رحمه نیز ذکر شده است. هم‌چنین به نقل از حاشیه نسخه‌ای خطی از امل الآمل، در پاورقی آمده است: عبدالعلی را فراوان به جدش نسبت می‌دهند (و نام پدر را می‌اندازند) بلکه تنها با او شناخته می‌شود.

موفق‌الدین ابوعلی حسن بن محمد اسکافی، وزیر بهاء الدولة دیلمی، ملاقات کرد و یوسف و زلیخا را برای او به نظم در آورد. سپس به خراسان بازگشت و دوباره مشغول نظم شاهنامه به اسم سلطان محمود شد (ج ۱۳، ص ۱۸-۱۹).

سراینده کنز الاسرار و تاریخ نظم آن

این مثنوی را به فریدالدین عطار نسبت داده‌اند؛ اما علامه قزوینی در مقدمه تذکرة الاولیاء آن را خطا دانسته و حق با اوست. ابن یوسف در فهرستش نظم آن را به سال ۶۹۹ نگاشته، اما ۶۸۸ درست است (ج ۱۸، ص ۱۴۴-۱۴۵).

نسبت رساله فی صلاة الجمعة به شهید ثانی

پایان تألیف کتاب، سال ۹۷۲ است، در حالی که شهید ثانی در ۹۶۶ به شهادت رسید. این امر سبب شده برخی، نسبت این کتاب به شهید ثانی را انکار کنند. اما در خور توجه است که این رساله به خط شهید در کتابخانه خوانساری موجود است و جایی برای انکار باقی نمی‌ماند، و گویا نسخ به سهو «سبعین» را به جای «ستین» نوشته است. در نسخه مصحح تاریخ فراغ ۹۶۲ است (ج ۱۵، ص ۷۱-۷۲).

پایان تألیف مفتاح الرموز، حسن زاهد کرمانی کیمیایی

نسخه آن به شماره ۳۷۷۸ در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. در فهرست کتابخانه، پایان تألیف سال ۱۲۸۵ ضبط شده که غلط است؛ زیرا نویسنده در سال ۷۲۳ از ایران به هند رفت و این کتاب را در ۷۲۶ برای سلطان وقت هند نوشت (ج ۲۱، ص ۳۳۱).

عبدالعلی بن رحمه حویزی و عبدالعلی بن ناصر بن رحمه

ظاهر عبارت امل الآمل این است که شیخ حر عاملی آن دو را نام دو نفر دانسته است (زیرا آن‌ها را جداگانه معرفی کرده) در حالی که هر دو، نام یک نفرند و وی در سال ۱۰۵۳ وفات یافت.^۱ (ج ۲۳، ص ۲۶۰).

ابونصر سهل بن بخاری استاد ابن عنبه

مطلب فوق را کشف الظنون نوشته است. ابن عنبه، صاحب عمدة الطالب، متوفای ۸۲۸ است و خطیب بغدادی (م ۴۶۳)

نسبت راوی

کلینی به واسطه علی بن محمد ماجیلویه از ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴) روایت می‌کند. استنساخ کنندگان به اختصار، واسطه را «ابن ابن برقی» نوشته‌اند، حال آن که «ابن بنت برقی» درست است؛ زیرا پدر علی بن محمد - بنا به نقل نجاشی - داماد برقی است.

تصحیف دیگر در فایده سوم از خاتمه خلاصه علامه، تصحیف در نقل سخن کلینی در تعیین مراد او از عده‌ای است که به واسطه آن‌ها از برقی روایت می‌کند. یکی از آن‌ها علی بن محمد پسر دختر برقی است و دیگری احمد بن عبدالله پسر برقی. اما در هر دو مورد با ضمیر به برقی اشاره می‌کند. در مورد اول می‌گوید: «علی بن محمد ابن بنته» و در مورد دوم می‌گوید: «احمد بن عبدالله ابن ابنه» اما ناسخ متوجه نشده و «ابن بنته» را به «ابن اذینه» و نیز «ابن ابنه» را به «ابن امیه» تغییر داده است.

در فهرست نیز در معرفی احمد بن خالد برقی هنگام ذکر سند به تصانیف او آمده است: «من روایة الحسن بن حمزة الطبری عن احمد بن احمد بن عبدالله ابن بنت البرقی قال: حدثنا جدی احمد بن محمد... نساخ آن را اشتباه نوشته‌اند و عبارت درست «ابن ابن البرقی» است (ج ۷، ص ۲۴۵-۲۴۶).

ابوالمحاسن علی جرجانی و ابوالمحاسن عبدالواحد رویانی

دو نام فوق برای دو شخص است، اما صاحب ریاض میان آن‌ها خلط کرده است. جرجانی صاحب تکملة السعادات است؛ چنان که در مجامع معتبر دیده‌ام و صاحب ریاض هم در شرح حال ابوسعید حسن بن حسین سبزواری از آن یاد کرده و پایان تألیف آن را سال ۷۰۲ ذکر کرده است. تاریخ تألیف نشان می‌دهد که جرجانی معاصر علامه حلی بوده. ابوالمحاسن عبدالواحد رویانی در سال ۵۰۲ به شهادت رسید و حدود دویست سال پس از جرجانی می‌زیست.

صاحب ریاض شرح حال عبدالواحد را در قسمت اسماء آورده و مشایخ و حالات او و چگونگی شهادتش را در سال ۵۰۲ نگاشته و کتاب تکملة السعادات را به او نسبت نداده است. اما در بخش کنیه‌ها شرح حال ابوالمحاسن جرجانی را به اختصار نقل و در ابتدا تصریح کرده که او معاصر علامه

حلی بوده و سپس شرح حال عبدالواحد و چگونگی شهادت وی را در سال ۵۰۲ این جا هم می‌آورد. سپس کتاب تکملة السعادات را از تألیفات او می‌شمرد که در سال ۷۰۲ پایان یافته است. صدر و ذیل شرح حال کوتاه نشان می‌دهد که صاحب ریاض می‌خواسته شرح حال ابوالمحاسن جرجانی را بنگارد، اما در اثنای آن بر اثر غفلت، ذهن او به ابوالمحاسن عبدالواحد منتقل شده و پاره‌ای از حالات عبدالواحد را نوشته است (ج ۴، ص ۴۱۴).

جابه‌جایی حلی و احساسی

در الضیاء اللامع بیان عباقرة القرن التاسع نشان دادیم که احمد بن عبدالله... بن متوج دو نفرند و معاصر هستند: یکی فخرالدین احمد بن عبدالله بن سعید بن متوج که از مشایخ ابوالعباس احمد بن فهد حلی است و دیگری جمال‌الدین احمد بن عبدالله بن محمد... بن متوج که از مشایخ احمد بن فهد احساسی است. سید محسن امین در جلد نهم اعیان الشیعة نیز متمایل به دو نفر بودن آن‌ها شده و شرح حال فخرالدین را در صفحه ۲۴ و شرح حال جمال‌الدین را در صفحه ۳۸ ذکر کرده و آنچه را ما در الضیاء اللامع، صفحه ۲۸ ترجیح داده بودیم از آنجا آورده است، اما در سطر نهم «حلی» چاپ شده که «احساسی» درست است و در سطر سیزدهم «احساسی» آمده که «حلی» صحیح است (ج ۹، ص ۲۸-۲۹).

مرقد امام علی علیه‌السلام در مزار شریف افغانستان!

[عده‌ای] عوام زیارتگاه واقع در شهر مزار شریف را به اشتباه به امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام نسبت می‌دهند. کتاب انساب آل ابی‌طالب، تألیف ابن عنبه - صاحب عمدة الطالب - است. گویا این کتاب ترجمه عمدة الطالب است و با آن تفاوت کمی دارد. علامه سید حسن صدر گفت که آن را در کتابخانه استاد ما علامه نوری دیده است و در آن آمده که ابن عنبه در مزار شریف، سنگ قبر مزار را در زیر صندوقی دیده است که بر آن نوشته بوده: «هذا قبر أمير المؤمنين أبي الحسن علي بن أبي طالب بن عبيدالله بن علي بن حسن بن حسين بن جعفر بن عبيدالله بن حسين اصغر بن علي بن حسين سبط عليه السلام».

از این جا به دست می‌آید که اشتراک لقب، اسم، کنیه،

عتیقی سمرقندی (م ۷۴۱) شاگرد رشیدالدین وطواط

نویسنده آتشکده آذر، در صفحه ۳۳۵ عتیقی سمرقندی را شاگرد وطواط خوانده که اشتباه است.^۲ شاید مراد او خواجه رشید همدانی باشد (ج ۹، ص ۷۰۷).

اصلاح شعر

میرزا محمد منشی، متخلص به فروغ، در سفینه الانشاء در رثای فتح علی شاه (م ۱۲۵۰) گفته است:
شمار عمر ز هفتاد و نظیرش هگوشب فوبلنا چهارده سال است
به فرض صحت نسخه، از بیت فوق به دست می آید که وی در سال ۱۱۷۴ به دنیا آمده است و با توجه به این که وی پس از ۱۲۶۰ فوت شده، باید نزدیک به نود سال عمر کرده باشد؛ در حالی که غالباً کسی این مقدار عمر نمی کند. لذا احتمال تصحیف در شعر فوق می رود و احتمال دارد عبارت صحیح چنین باشد:

شمار عمر ز پنجاه و شش گذشت و مرا
بنابراین فرض، وی سال ۱۱۹۴ به دنیا آمده و حدود هفتاد سال عمر کرده؛ چنان که متعارف است^۳ (ج ۱۲، ص ۱۹-۱۹۴).

نویسنده الاربعون حدیثاً

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی نویسنده الاربعون حدیثاً تألیف شهید اول (م ۷۸۶)، محقق کرکی معرفی شده که

۱. نگارنده تحقیق گسترده ای درباره امام زاده مدفون در مزار شریف انجام داده که نتیجه آن به صورت مقاله ای با عنوان «مزار شریف در مزار شریف» در کتاب گنجینه شهاب (یادنامه آیت الله مرعشی نجفی)، جلد دوم به چاپ رسیده است. در آن جا آوردیم که علاوه بر تشابه هایی که آقا بزرگ ذکر کرده، شباهت های دیگری نیز این امام زاده با امام علی (ع) دارد و آن این که نام همسر او نیز فاطمه بنت محمد بن عبدالله بوده و دو پسر به نام های حسن و حسین داشته که کنیه حسن، ابو محمد، و کنیه حسین، ابو عبدالله و نام فرزند حسین، علی بوده است.

ظاهرأ علت انتساب این قبر به امام علی (ع) این بوده که در سال ۸۸۵ ق شمس الدین محمد با مطالعه حالات امام زاده مدفون در مزار شریف، متوجه این تشابه ها می شود و با توجه به مخفی بودن بارگاه امام علی (ع) در اوایل دفن و با توجه به قرآنی از اخبار به این نتیجه می رسد که این مزار به امام علی (ع) تعلق دارد و چون شمس الدین محمد شخصیت با نفوذی بود، این نظریه او پذیرفته شد.

۲. رشیدالدین وطواط در سال ۵۷۳ درگذشت.

۳. آقا بزرگ در حالی این اشکال را مطرح می کند که خود او بیش از نود سال عمر کرد.

و نام پدر شخص مدفون در مزار شریف امیر مؤمنان علیه السلام سبب اشتباه عوام شده است^۱ (ج ۲، ص ۳۷۵).

حذف و تصحیف در سند

در امالی شیخ صدوق می خوانیم: «الصدوق عن المفسر عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الحسن بن علی بن الناصر عن أبيه الرضا عن أبيه موسى بن جعفر علیه السلام».

در سند فوق، سقط و تصحیف راه یافته؛ زیرا از میان فرزندان امام رضا علیه السلام تنها امام جواد علیه السلام است که از آن حضرت روایت می کند. پس «الناصر» تصحیف است و واسطه افتاده؛ چنان که در همان امالی، صفحه ۶۷ می خوانیم: «الصدوق عن المفسر عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الحسن بن علی عن أبيه عن محمد بن علی عن أبيه الرضا عن أبيه موسى علیه السلام» (ج ۴، ص ۲۸۷ پاورقی).

تاریخ رصد

صاحب لطائف الطرائف و به پیروی از او صاحب کشف الظنون نوشته اند که کوشیار جیلی در سال ۴۵۹ رصد کرده است. شاید این تاریخ اشتباه باشد؛ زیرا خطیب (م ۴۶۳) به واسطه سه تن از مشایخ خود از او روایت می کند. بنابراین وفات کوشیار در اوایل قرن پنجم اتفاق افتاده و رصد او نیز باید بسیار پیش از ۴۵۹ باشد (ج ۱۲، ص ۸۸).

آغاز اجازة سید محمد مهدی شهرستانی (م ۱۲۱۵) به سید دلدار علی نقوی (م ۱۳۲۵)

در کشف الحجب آمده است: «أولها: الحمد لله الذي شرع لنا». در واقع این متن، آغاز اجازة میرزا مهدی شهید به سید دلدار علی است و منشأ اشتباه، کاتب است (ج ۱، ص ۲۵۳).

واسطه میان محمد مهدی فتونی و علامه مجلسی

در اجازة شهید سید میرزا محمد مهدی بن هدایت الله اصفهانی خراسانی (م ۱۲۱۸) به سید دلدار علی بن محمد معین نقوی نصیر آبادی (م ۱۲۳۵) واسطه میان شیخ مهدی فتونی و علامه مجلسی دو شخص ثقة ذکر شده است؛ حال آن که فتونی از استاد و پسر عمویش ملا ابوالحسن شریف عاملی روایت می کند و او نیز از علامه مجلسی. بنابراین واسطه میان آنها یک نفر است (ج ۱، ص ۲۵۶).

آن را به سال ۹۴۴ نوشته است. مسلماً این مطلب اشتباه است؛ زیرا وی در سال ۹۴۰ وفات یافت (ج ۱ ص ۴۲۷).

تاریخ تدوین اثبات الواجب القديم، جلال‌الدین محمد دوانی (ح ۸۳۰-۹۰۸)

قاضی در مجالس می‌گوید: نویسنده، کتاب فوق را در اوایل حالش در سال ۸۹۷ نوشت. شاید این تاریخ از اغلاط چاپی باشد؛ زیرا خود نویسنده در ابتدای کتاب اثبات الواجب الجدید تصریح می‌کند که کتاب قدیم را در اوایل جوانی نوشته (در حالی که در سال ۸۹۷ حدود ۶۷ سال داشته است) (ج ۱، ص ۱۰۷).

پایان تألیف السراج المنیر، محمد شریف بن شمس‌الدین محمد این کتاب فارسی، سال ۱۳۰۶ در بمبئی چاپ سنگی شده. در این چاپ پایان تألیف سال ۱۲۰۲ ذکر شده در حالی که این تاریخ مربوط به پایان کتابت نسخه چاپی است؛ زیرا نویسنده حدود ۱۰۰۱ به دنیا آمده و شرح حال خود را در کتاب خزان و بهار آورده و من نسخه‌ای خطی از السراج المنیر را در کتابخانه خوانساری دیدم که پایان تألیف آن ۱۰۳۲ نوشته شده بود و نسخه‌ای دیگر در مدرسه صدر در نجف ۱۰۳۰ بود. شاید کلمه «اثنین» از نسخه مدرسه صدر افتاده باشد (ج ۱۲، ص ۱۶۱).

فارسی نه عربی

در فهرست کتابخانه سپهسالار به اشتباه کتاب جنات الوصال اثر محمد علی ملقب به نور علی شاه، عربی خوانده شده در حالی که فارسی است (ج ۵، ص ۱۵۲).

خلط میان ابن براج و ابوکامل

قاضی عبدالعزیز بن کامل طرابلسی و استاد او قاضی عبدالعزیز بن براج هم‌نامند. از این رو صاحب ریاض حالات این دو و کتاب‌هایشان را با هم خلط کرده است (ج ۵، ص ۲۵۶).

اشتباه در تاریخ ولادت یا تاریخ اجازه

در تاریخ اولاد الاطهار آمده است که یوسف به عبدالفتاح طباطبایی در سال ۱۱۶۷ متولد شد و در سال ۱۲۴۲ وفات

یافت و در سال ۱۱۸۰ موفق به دریافت اجازه از وحید بهبهانی شد. طبق این نقل، وی در سیزده سالگی از وحید بهبهانی اجازه گرفت و این در غایت بُعد است. بنابراین در ضبط تاریخ ولادت یا تاریخ کسب اجازه، اشتباه شده است. علاوه بر این در جلد ۱، صفحه ۱۴۸ گفتیم: وحید بهبهانی در سال‌های ۱۱۷۲ و ۱۱۷۴ دو اجازه به محمد بن یوسف بن میرفتاح داده است و او غیر از یوسف بن عبدالفتاح است (ج ۵، ص ۲۹۸).

اشتباه در تاریخ یا تشخیص خط مؤلف

محمد تقی خادم انصاری، رجال نجاشی را با عنوان ترتیب النجاشی به ترتیب الفبا مرتب کرده و در سال ۱۰۰۶ به پایان رسانده است. من نسخه‌ای از آن را در کتابخانه محمدعلی خوانساری دیدم که به سال ۱۰۲۴ پایان یافته بود.

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی می‌خوانیم که نسخه‌ای از ترتیب النجاشی در آن کتابخانه به خط مؤلف به تاریخ ۱۰۷۲ موجود است. نویسنده فهرست، یا در تشخیص خط مؤلف اشتباه کرده یا اشتباهی در تاریخ رخ داده است (ج ۴، ص ۷۰).

غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام‌الدین اعرج نیشابوری

نویسنده این کتاب، صاحب شرح الیظام است. در کشف القناع آمده است که غرائب القرآن در سال ۸۲۸ تألیف شده است. این تاریخ قطعاً غلط است؛ زیرا نویسنده شاگرد قطب‌الدین شیرازی (م ۷۱۰) بوده است. نسخه‌ای از غرائب القرآن که تاریخ کتابت آن سال ۹۹۰ است، با عنوان نظام التفاسیر، از خط مؤلف نقل کرده که کتاب در ۷۲۸ پایان یافته است (ج ۱۶، ص ۳۱-۳۲).

پایان نگارش فهرست تصانیف الفیض (م ۱۰۹۱)

فیض دو فهرست برای کتاب‌های خود نوشته و پایان نگارش فهرست دوم ۱۰۹۰ است، اما در چاپ به غلط ۱۰۸۹ چاپ شده است (ج ۱۶، ص ۳۷۹).

تعداد اجزاء تفسیر ابن جنی

ابن ندیم در صفحه ۵۱ می‌نویسد: «کتاب تفسیر محمد بن علی بن جنی منه أجزاء». ظاهراً «منه» تصحیف «سته» است؛ یعنی این تفسیر در شش جزء نگاهشته شده است (ج ۴، ص ۲۴۲).

کتاب الرد علی الغلاوة و کتاب السهو عن النبی.»
نجاشی از یک سو ابوالحسین عقرانی را غالی خوانده و از سوی دیگر کتاب الرد علی الغلاة را از آن او دانسته است. میرزا ابوالفضل بن میرزا ابوالقاسم کلانتری در حاشیه رجال نجاشی از این موضوع این گونه رفع تنافی کرده است که مراد او از غلو، همان زعم قمی‌ها است که نفی سهو از پیامبر را غلو می‌دانستند و ابن بکران کتاب مستقلی در این موضوع نگاشت و نجاشی تصریح می‌کند که ابوالحسین عقرانی در این وقت غالی بود؛ یعنی وی در ابتدا چنین نبوده. بنابراین ابتدا او رد بر غالیان نوشت و بعد به دلیل غالی شدن، نجاشی سماع از او را ترک کرد.

اما این اشکال به توجیه میرزا ابوالفضل باقی می‌ماند که اگر اعتقاد به نفی سهو منشأ ترک سماع باشد، این امر اقتضا می‌کرد که نجاشی همه کتاب‌های شیخ صدوق را ترک کند؛ زیرا رساله او در نفی سهو و رد شیخ از متواترات است.

به نظر می‌رسد که «غلو» در نسخه‌های نجاشی از تصحیف نساخ و درست آن «علو» باشد؛ یعنی زمانی که نجاشی او را ملاقات کرده، ابن بکران سن زیادی داشته و ضعف قوا و فراموشی بر او مسلط بوده و نمی‌توانسته به خوبی احادیث را حفظ و ضبط کند؛ زیرا ابن بکران حدود سال ۳۰۰ تولد یافت و تولد نجاشی سال ۳۷۲ است و نجاشی که در نقل احادیث محتاط بود شنیدن روایت از او را ترک کرد.

نجاشی شبیه این عبارت را چند صفحه بعد (صفحة ۶۴) در شرح حال احمد بن عبدالواحد به کار برده است: «انه لقی ابن الزبیر و كان علواً فی الوقت». در زمان ملاقات ابن عبدالواحد نزدیک به صد سال از عمر ابن زبیر گذشته بود (ج ۱۰، ص ۲۱۳).

تاریخ تألیف فتوح البلدان یا فتوحات الشام، ابو محمد احمد بن اعثم کوفی (م ۳۱۴)

احمد بن محمد منوفی کتاب فتوح را در سال ۵۹۶ به فارسی برگردانده و در آغاز آن، زمان تألیف را سال ۲۰۴ گفته است. قطعاً این تاریخ اشتباه است؛ زیرا یاقوت - معاصر مترجم - می‌گوید که هر دو کتاب احمد بن اعثم به نام‌های فتوح، که وقایع را تا عصر رشید نقل می‌کند، و تاریخ را که حوادث را تا

ملقب شدن ابوطاهر محمد به «زراری» توسط امام عسکری علیه السلام در سلیمان بن حسن نخستین کسی است که امام هادی علیه السلام در توقیعاتش به او لقب «زراری» داده و حفید او، ابوغالب احمد بن محمد، در نامه‌ای به فرزنداش آن را ذکر کرده است. اما فرزند او ابوطاهر محمد بن سلیمان (م ۳۰۰) تأخیر زیادی از او دارد و آنچه در فهرست شیخ در شرح حال ابوغالب زراری آمده که ابوطاهر در توقیع امام حسن عسکری علیه السلام ملقب به «زراری» شده، خلط یا تصحیف است. بله، ابوغالب تصریح کرده که حضرت حجت علیه السلام به جدش محمد بن سلیمان نامه نوشته است (ج ۸، ص ۱۹۰).

تعداد مجلدات خلاصة التفسیر، قطب راوندی (م ۵۷۳)
شیخ منتجب‌الدین - شاگرد نویسنده - خلاصة التفسیر را ده جلد شمرده، اما در الشیعة و فنون الاسلام آن‌ها بیست جلد شمرده شده که از غلط نسخه است (ج ۷، ص ۲۲۰).

علی بن ادریس

در خاتمة مستدرک الوسائل (ص ۵۴۱) علی بن ادریس از رجال عده معرفی شده که از غلط نسخه است. نجاشی در شرح حال احمد بن محمد بن عیسی تصریح کرده است که وی احمد بن ادریس است؛ هم‌چنین علامه در خلاصه (ج ۲، ص ۱۵).

تقیه برای دوری از رمی به فلسفه

جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغة، جلد ۲، صفحه ۳۴۳ نوشته است: علت این که نویسندگان اخوان الصفا در حجاب، مطالب حق را می‌گفتند، ترس آن‌ها از رمی به فلسفه بوده است. این سخن درست نیست؛ زیرا مسلمانان از زمانی که فلسفه از کتاب‌های نخستین به عربی ترجمه شد تا امروز به آن رغبت نشان داده‌اند، بلکه کسانی تقیه می‌کردند که مطالبی بر خلاف عقاید عامه اظهار می‌داشتند؛ زیرا آنان را رمی به کفر می‌کردند (ج ۲، ص ۳۵۷؛ ر.ک: ج ۱، ص ۳۸۳-۳۸۵).

اصلاح عبارت نجاشی

نجاشی در معرفی ابوالحسین عقرانی تمار اسحاق بن حسن بن بکران می‌گوید: «رأیته بالكوفة و هو مجاور و كان یروی کتاب الكلینی عنه و كان فی هذا الوقت غلواً فلم أسمع منه شیئاً و له

تاریخ تألیف الواحد لا یصدر منه الا الواحد، نظر علی بن محمد محسن گیلانی

نسخه‌ای از آن به خط محمد بن ابراهیم بن حاج آقا رضا در کتابخانه مدرسه سید کاظم یزدی در نجف نگهداری می‌شود. تاریخ تألیف در این نسخه ۱۲۴۲ است و کاتب تصریح کرده که آن را از نسخه‌ای مغلوط استنساخ کرده است. ظاهراً این تاریخ یکی از اغلاط آن نسخه است؛ زیرا نویسنده پیش از سال ۱۲۱۷ وفات یافت (ج ۲۵، ص ۶-۷).

سند تفسیر امام حسن عسکری (ع)

تمام سندهای تفسیر امام عسکری (ع) در منابع روایی مختلف به شیخ صدوق (م ۳۸۱) منتهی می‌شود. در آغاز نسخه چاپی تفسیر پس از «بسم‌الله» و حمد الهی و رسیدن سند به شیخ صدوق آمده است: «قال [ابن بابویه]: أخبرنا أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر الأسترآبادی الخطیب - رحمه الله - قال: حدثني أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الامامية قالوا: و كان أبو اناس اماميين - فكان تشيع الولدين عن أبيهما لا باستبصارهما بدوا - و كان الزيدية هم الغالبون في أسترآباد و كنا في أمانة الحسن بن زيد العلوي الملقب بالداعي الى الحق امام الزيدية و كان كثير الاصغاء الى الزيدية فخشيناهم على أنفسنا فخرجنا بأهاليها الى حضرة الامام أبي محمد الحسن بن علي بن محمد أبا القاسم - عليهم السلام - و أنزلنا عيالاتنا في بعض الخانات ثم استأذنا على الامام الحسن بن علي؛ فلما رأنا قال: مرحباً بالآوين الينا الملتجئين الي كنفنا.»

حضرت پس از خطاب عام، در ادامه پدران ابویعقوب و ابوالحسن را به احترام بزرگ‌تر بودنشان مورد خطاب قرار داد: «قد تقبل الله سعيكما و آمن روعتكما و كفاكما أعدائكما، فانصرفا آمنين على أنفسكما و أموالكما.»

فعبجنا من قوله... فقلنا: فماذا تأمرنا أيها الامام أن نصنع... فقال عليه السلام: خلفا على ولديكما هذين لأفيد هما العلم الذي يشرفهما الله به... قال أبو يعقوب و أبو الحسن: فأتمرنا لما أمرا و خرجا و خلفانا هناك فكنا نختلف اليه... فقال لنا ذات يوم: اذا أتاكما خبر كفاية الله - عزوجل - أبويكما و صدق وعدى اياها جعلت من شكر الله أن أفيدكما تفسير القرآن. ففرحنا و قلنا: يابن رسول الله... .

ایام مقتدر (م ۳۲۰) می‌گوید، دیده است. با این حال چگونه ممکن است فتوح در سال ۲۰۴ نگاشته شده باشد؟!

ظاهراً مترجم به تاریخ ابن اعثم دست نیافته و تنها فتوح را دیده که حوادث را تا حدود سال ۲۰۴ ضبط کرده و مترجم، آن سال را زمان پایان تألیف پنداشته است (ج ۳، ص ۲۲۰-۲۲۲).

طرزی طرشتی و طرزی افشار (م ۱۰۸۳)

نویسنده تذکره روشن در صفحات ۴۱۲ و ۴۱۳ نام‌های فوق را برای دو شاعر دانسته، در حالی که هر دو نام برای یک نفر است. وی طرز خاصی در تکلم و شعر داشت؛ به این صورت که مصادر و صیغه‌های جعلی را اختراع کرد و به کار برد. ابیاتی از او در مجمع‌الفصحاء، جلد ۲، صفحه ۲۴ آمده و شرح حالش در دانشمندان آذربایجان، صفحات ۸۶ و ۲۴۵ و در تذکره نصر آبادی، جلد ۹، صفحه ۴۰۸ مسطور است. دیوانش در رضائیه و تهران چاپ شده است (ج ۹، ص ۶۴۷).

خلط و ویژگی‌های رافعی نیشابوری با رافعی قزوینی

رافعی نیشابوری از شاعران عصر غزنوی، معاصر ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری (م ۴۳۱) است و رضاقلی خان هدایت در مجمع‌الفصحاء، جلد ۱، صفحه ۲۲۰ یادآور مشاعره‌ها میان این دو شده است و اشعار رافعی نیشابوری را در مدح سلطان محمود سبکتکین غزنوی (م ۴۲۱) و مدح وزیرش احمد بن حسن میمندی (م ۴۲۴) آورده است. بنابراین وی از شاعران اوایل قرن پنجم است.

شرح حال رافعی قزوینی در مجمع‌الفصحاء، جلد ۱، صفحه ۲۲۱ به این صورت آمده: «امام‌الدین ابوالقاسم بن ابی سعید مؤلف شرح صغیر و کبیر (م ۶۳۳)» نویسنده این کتاب پاره‌ای از اشعار او را نیز آورده است.

بنابراین رافعی نیشابوری تقدم بسیاری بر رافعی قزوینی دارد، اما رضاقلی خان در ریاض العارفین آن دو را خلط کرده است. وی رافعی قزوینی را مؤلف شرح صغیر و شرح کبیر (م ۶۳۳) دانسته و پدرش را ابوسعید رافعی معرفی کرده و نیز پاره‌ای از اشعار رافعی قزوینی را به رافعی نیشابوری نسبت داده است (ج ۹، ص ۳۵۰ در کتاب توضیحات بیشتری در این زمینه آمده که برای پرهیز از اطالته سخن نیاوردیم).

میراث شهاب

ذکر نامشان با این جمله توصیف کرده: «کانا من الشيعة الامامية من ابويهما» یا «مع ابويهما» یا «عن ابويهما» تا بفهماند که آنان از هنگام تولد شیعه بوده و این مذهب را از پدران خود گرفته‌اند نه اینکه بعداً شیعه شده‌اند. سپس گفته: «قالا: حدثنا الامام عليه السلام» یعنی «قال الولدان». شیخ صدوق مراد او را دانسته و طبق آنچه شنیده نقل کرده اما شنوندگان، لفظ یا معنا را تصحیف کرده و پنداشته‌اند مراد او این است که فرزندان، حدیث را از پدران خود نقل کرده‌اند و فاعل «قالا: حدثنا الامام» را «أبوان» تصور کرده‌اند و هرچا اسناد شیخ صدوق را به این تفسیر دیده‌اند، لفظ «عن ابويهما» را افزوده‌اند؛ حتی در مواردی که توصیف نشده که فرزندان شیعه بوده‌اند و با این کار خواسته‌اند کلام شیخ صدوق را تصحیح کنند (ج ۴، ص ۲۸۵-۲۹۳).

پایان تألیف الحدائق الندية، سید علی خان مدنی (۱۱۱۸ یا ۱۱۲۰ م)

در نسخه چاپی، پایان تألیف کتاب، صبح دوشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۰۹۹ نوشته شده که «سبعین» به «تسعین» تصحیف شده است؛ زیرا نسخه‌ای دیدم که کتابت آن به عصر مؤلف باز می‌گشت و گمان می‌رود که به خط او باشد؛ با همان ساعت و روز و ماه اما به سال ۱۰۷۹ بود (ج ۶، ص ۲۹۰).

نام راوی

نجاشی از ابو عبدالله حسین بن جعفر، معروف به ابو عبدالله بن خمیری، روایت می‌کند. در مجمع الرجال قهپایی، نام او به صورت «حمیری» تصحیف شده است (ج ۶، ص ۳۲۶ پاورقی و ص ۳۲۸-۳۲۹).

وطن جمال منشی، دیوان

گفته شده که جمال منشی، کرمانی است، در حالی که اصفهانی بوده (ج ۹، ص ۲۰۴).

پایان تألیف رشح السحاب، مولی محسن نحوی

نویسنده در ماده تاریخ پایان تألیف سروده است: بلطف هادی الوری

قالا: فلم نبرح من عنده حتى جائنا فيج من عند أبويها بكتاب فيه أن «الداعي» أرسل إلينا بعض ثقاته بكتابه وخاتمه بأمانه لنا وضمن لنا رد أموالنا... فلما كان في اليوم العاشر جاء كتاب من أبويها بأن الداعي قد وفالنا بجميع عداته... فلما سمع الامام بهذا قال: هذا حين انجازي ما وعدتكما من تفسير القرآن و قد وظفت لكما كل يوم شيئاً منه، فالزمني وواظبا علي.

فاول ما أملی علينا أحاديث في فضل القرآن و أهله ثم أملی علينا التفسير بعد ذلك فكنا في مدة مقامنا عنده و ذلك سبع سنين نكتب في كل يوم مقدار ما ينشط له.

بنا به تصريح مقدمه کتاب، ابویعقوب و ابوالحسن بی واسطه از امام عسکری عليه السلام روایت کرده‌اند. هم‌چنین عبارات اثنای کتاب نیز به این مطلب صراحت دارد. در حاشیه صفحه ۱۶۸ چاپ ۱۳۱۵ قمری پس از ذکر هاروت و ماروت آمده است: «قال أبو الحسن: قلنا للحسن أبي القاسم عليه السلام: فان قوماً عندنا يزعمون أن هاروت و ماروت ملكان... فقال الامام: معاذ الله».

با توجه به این تصریحات، جزم می‌یابیم که پدران به فرمان امام عليه السلام به شهر خود بازگشته و فرزندان خود را نزد حضرت گذاشته‌اند تا به آن‌ها آموزش دهد و فرزندان، همان کسانی هستند که تفسیر امام عسکری عليه السلام را در مدت حدود هفت سال نوشته‌اند.

آیا مطالب مذکور قرینه نیست که عبارت «عن ابويهما» در همه سندهایی که این عبارت در آن‌ها آمده اضافه است؟ لذا طبرسی در آغاز احتجاج، هنگام ذکر سند خود به این تفسیر، برای نقل احادیث فراوان از آن، عبارت «عن ابويهما» را انداخته و می‌نویسد: «الصدوق عن المفسر عن الولدين عن الامام عليه السلام».

در هیچ کدام از نسخه‌های احتجاج - از جمله چاپ محقق آن در تهران به سال ۱۲۶۹ که برای تصحیح از نسخه‌هایی استفاده شده که در آن‌ها خطوط علما و تصحیحات آن‌ها وجود دارد - این عبارت دیده نمی‌شود.

جای تعجب است که با این تصریحات اکید، در اسناد پراکنده فراوان در آثار شیخ صدوق، لفظ «عن ابويهما» دیده می‌شود. در مورد منشأ عبارت اضافه به نظر می‌رسد مفسر که از دو فرزند برای شیخ صدوق روایت کرده، آن دو را پس از

شرح نظم الحساب

قلت لتاریخه

شرحی رشح الحساب

از آن ۱۱۲۸ استخراج می‌شود، اما به اشتباه سال ۱۱۱۸ به عنوان پایان تألیف چاپ شده است (ج ۱۴، ۹۱).

خلط بین ابومحمد حسن غزنوی و جمال‌الدین حسن غزنوی

ابوالحسن بیهقی در لباب الانساب (تألیف ۵۵۵) و راوندی در راحة الصدور از ابومحمد حسن غزنوی این گونه نام برده‌اند: «مفخر اللسانین و ذوالشهادتین اشرف ابومحمد حسن بن محمد حسینی». اما جمع‌کننده دیوان او که مدعی شاگردی اوست در آغاز دیوان، وی را چنین وصف می‌کند: «ذوالشهادتین ابوالعلی (یعنی) حسن بن احمد حسینی غزنوی...»

عوفی در لباب الالباب میان وی و جمال‌الدین حسن غزنوی خلط کرده و پدر او را ناصر علوی نامیده است. این اشتباه به تذکره‌نویسان پس از او سرایت کرده؛ مانند تاریخ‌گزیده، صفحه ۸۱۷، تذکره دولتشاه، آتشکده آزر، صفحه ۱۰۱، هفت اقلیم و مجمع الفصحاء.

جمع‌کننده دیوان گوید که حسن غزنوی هنگام وفاتش به او وصیت کرده که دیوانش را به نام امیر محمود جمع‌آوری کند. از آن‌جا که امیر محمود سال ۵۵۲ جلوس کرد و در ۵۵۷ از دنیا رفت، به دست می‌آید که دیوان پیش از این تاریخ جمع‌آوری شده و نیز به دست می‌آید که وفات سید حسن نیز پیش از این تاریخ است. بنابراین آنچه در خلاصه‌الشعار از مجمع‌الفصحاء، جلد ۱، صفحه ۱۹۲ نقل شده که وی در سال ۵۶۵ درگذشت درست نیست و برخی نیز مرگ او را ۵۳۵ یا ۵۳۶ گفته‌اند. اما درست، گفته بیهقی در لباب الانساب است؛ یعنی سال ۵۴۸.

دیوان مذکور با تصحیح سید محمد تقی مدرس رضوی و با مقدمه‌ای در احوال ابومحمد حسن غزنوی در تهران چاپ شده و تصحیحات دهخدا و فروزانفر نیز ضمیمه آن است (ج ۹، ص ۲۴۴).

تعداد رباعیات سحابی استرآبادی (۱۰۲۱ یا ۱۰۱۰)

نویسندگان مجمع‌الفصحاء (ج ۲، ص ۲۱) و ریاض‌العارفین

(صفحه ۱۳۸) تعداد رباعیات سحابی را شش هزار و نویسنده مرآت‌الخیال، (صفحه ۸۴) دوازده هزار بیت نوشته‌اند. اما سرو آزاد به نقل از صبح صادق و شمع‌انجمن (صفحه ۱۹۸) تعداد رباعیات او را به غلط هفتاد هزار بیت نوشته‌اند (ج ۹، ص ۴۳۳).

تعداد شعرهای سیف اورنگ (م ۶۶۶)

بنا به نقل دولتشاه در طبقه دوم، دیوان سیف اورنگ دارای دوازده هزار بیت است. دو نسخه ناقص از دیوان او به کتابت قرن دهم بنا به نقل فهرست کتابخانه سپهسالار، جلد ۲، صفحات ۶۱۲ تا ۶۱۴ با یازده هزار بیت در آن‌جا نگهداری می‌شود. بنابراین، سخن هدایت که اشعار او را ده هزار خوانده اشتباه است (ج ۹، ص ۴۸۵).

پایان تألیف اثبات حدوث العالم، حسین بن ابراهیم تنکابنی

در متن چاپی با کتاب مشاعر، سال ۱۲۱۹ زمان پایان یافتن تألیف نوشته شده که ناشی از اشتباه ناسخ است؛ زیرا مصنف از شاگردان ملا صدرالدین شیرازی (م ۱۰۵۰) است. نسخه‌ای از آن نزد سید ابوالقاسم ریاضی خوانساری به خط یاقوت بن عبدالله است که کتابت آن در سال ۱۰۶۹ پایان یافته است (ج ۱، ص ۸۹).

کتابت اثبات الواجب تعالی، محمود نیریزی

نویسنده این کتاب، معاصر محقق فخری و مجاز از استادش میرصدرالدین دشتکی در سال ۹۰۳ است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود که تاریخ تحریر آن ۹۷۰ است، اما در فهرست کتابخانه به اشتباه، آن سال به عنوان پایان تألیف ضبط شده و منشأ آن کشف‌الظنون است (ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹).

تاریخ اجازة نجم‌الدین جعفر بن محمد جمال‌الدین محمد

بن حسن

سال آن در اجازات بحار از خط شهید، ۶۰۷ است، اما گمان می‌رود «سبعین» به «سبع» تصحیف شده و درست آن ۶۷۰ باشد (ج ۱، ص ۱۶۵).

منتجب‌الدین نام و نسب نویسنده انساب آل الرسول را این گونه ضبط کرده‌اند: «عبدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن جعفر علیهما السلام». بنابراین وی از احفاد شاه چراغ است. صاحب ریاض اشکال کرده که با کمی واسطه نویسنده با شاه چراغ چگونه او می‌تواند معاصر شیخ طوسی یا متأخر از وی باشد و جزم یافته که سید ابوالفتح به جدش نسبت داده شده؛ چنان که شایع است.

میرزا حسین نوری در البدر المشعشع شرح حال و زمان حیات اجداد عبدالله بن موسی را نقل کرده و نسخه فهرست شیخ منتجب‌الدین که در اختیار شیخ حر عاملی و صاحب ریاض بوده افتادگی داشته است. نسب صحیح عبدالله بن موسی چنین است: «عبدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع بن ابی جعفر جواد علیه السلام بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد علیه السلام» (ج ۲، ص ۳۷۹-۳۸۰).

سال تدوین شمع المجالس

کتاب فوق، منتخبی از حدیقه الحقیقه نوشته حکیم سنایی است. انتخاب کننده در تاریخ انتخاب از حدیقه الحقیقه، به نظم می‌گوید:

پانصد و بیست و چار رفته زعام

پانصد و بیست و پنج گشت تمام

عبارت فوق غلط آشکار است؛ زیرا انتخاب، تنها باید بعد از تألیف اصل باشد نه پیش از اتمام آن. ظاهراً کاتب کلمه «بیست» را به جای «شصت» در هر دو مصراع نوشته. سنایی در ۵۵۵ درگذشت و پس از مرگش این انتخاب در ۵۶۵ صورت گرفت^۱ (ج ۱۴، ص ۲۳۲).

۱. شیخ آقابرگ در الذریعة، ج ۳، ص ۱۶۵ و ج ۱۵، ص ۱۶۵ سال اتمام حدیقه الحقیقه را ۵۳۸ ضبط کرده است.

سال اجازة سید محمد بن شرف‌الدین جزیری به علامه مجلسی (م ۱۱۱۰)

وی این اجازة را بعد از وفات ملا محمد تقی (م ۱۰۷۰) نوشته؛ زیرا از خداوند برای او طلب رحمت کرده و او را با «مرحوم مبرور» توصیف کرده است. بنابراین ۱۰۶۴ به عنوان تاریخ اجازة در بحار جزماً غلط است و صحیح ۱۰۷۴ است (ج ۱، ص ۲۵۷).

گنجی نه کشی

در برخی نسخه‌های رجال نجاشی آمده که وی از ابوالقاسم یحیی بن زکریا کشی - که تلعبیری در سال ۳۱۸ از او روایت کرده - نقل کرده که فضل بن شاذان (م ۲۶۰) دارای ۱۸۰ کتاب بوده است. حال آن‌که «گنجی» درست است نه «کشی» (ج ۴، ص ۴۸۱).

محمد بن احمد بن یحیی عطار

در بعضی اسانید شیخ صدوق نام فوق دیده می‌شود که ظاهراً استنساخ‌کنندگان اشتباه کرده‌اند و نام درست، «احمد بن محمد بن یحیی عطار» است که شیخ صدوق فراوان از او روایت می‌کند (ج ۵، ص ۲۹).

دو کتاب

معلم ثانی ابونصر محمد بن فارابی (م ۳۳۹) دو کتاب دارد که یکی در موضوع جمع بین دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو و دیگری درباره جن است. قفطی در اخبار الحکماء، صفحه ۲۸۴ از دو کتاب پشت سرهم نام برده و برخی معاصران، آن دو را یک کتاب پنداشته‌اند (گمان کرده‌اند که فارابی میان دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو درباره جن جمع کرده است) ما هم به پیروی از آن معاصر بدون مراجعه به مأخذ سخن او، در جلد ۱، صفحه ۸۲ آن دو را به عنوان یک کتاب معرفی کردیم، در حالی که قفطی آن‌ها را دو کتاب جداگانه معرفی کرده است (ج ۵، ص ۱۳۵).

نسب سید ابوالفتح عبدالله بن ابوالحسن موسی (معاصر شیخ طوسی)، صاحب انساب آل الرسول
شیخ حر عاملی در امل الآمل و صاحب ریاض از فهرست شیخ